

## جوراب بافی مکریان؛ مطالعه موردی گوره‌وی میرزایی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۳)

شهناز ابوبکری<sup>۱</sup>

### چکیده

صنایع دستی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی شناخت فرهنگ و آداب و رسوم هر جامعه، با وجود کمترین امکانات، بیشترین نقش را در بازتولید و انتقال عناصر فرهنگی داشته است. هدف از این پژوهش بازسازی بخشی از صنایع دستی منطقه مکریان برای استفاده در مستند تلویزیونی است. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و مصاحبه و مشاهده مشارکتی و بهره‌مندی از تکنیک کتابخانه‌ای نوشته شده است. نظریات در مورد صنایع دستی نشان می‌دهد که آمیختگی شدید این فعالیت با سنت‌ها، عادات و بینش سازندگان و همچنین تأثیر محسوس محیط جغرافیایی در این صنعت از جمله مسائلی است که باعث تمایز آن از فرآورده‌های کارخانه‌ای می‌شود و صنایع دستی هر منطقه و حتی تولیدات هر صنعتگر از نظر طرح، شکل و اندازه از اشیای مشابه خود کاملاً متمایز است و در بیشتر موارد مایه‌ای از فرهنگ سازندگان خود را به همراه دارد. در این مقاله یکی از صنایع دستی مکریان یعنی جوراب میرزایی از نظر بافت، طرح، رنگ و کاربرد بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: صنایع دستی، صنایع دستی کردستان، مکریان، جوراب بافی، جوراب میرزایی.

---

۱. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، پژوهشگر صدا و سیما، مرکز مهاباد. رایانامه: sh.abobakri@gmail.com

## مقدمه

در گذرگاه تاریخ، ملت‌ها و اقوام مختلف با تاسی از نیروهای فطری و خدادادی و استعدادهای بالقوه درونی همت بر ساختن اشیاء و ابزار مختلف گمارده‌اند که علاوه بر معیشت، بستر فراخی برای «گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و اقوام» فراهم آورده‌اند. از این‌رو، صنایع دستی که همانا در اثر تلاش و تراوش‌های فکری بشر به ارمغان آمده، در عینیت بخشیدن به پیوندهای اجتماعی ملت‌ها نیز نقش بزرگی ایفا کرده است.

بشر برای بیان مقصود خود نقش آفرید و از آن به عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم بهره جست، این ویژگی به اضافه زیبایی در گذر زمان، هنگامی که ابزاری دیگر برای جایگزینی (لحن و نوشتار) یافت، هنر نام گرفت.

زمانی بشر سعی می‌کرد برای آسایش زندگی خود زیراندازی داشته باشد، پس الیاف گیاهی و حیوانی را در هم تنید و بافته‌ها را پدید آورد و مهارت بسیار کسب کرد؛ اما وقتی بافته‌هایش به زینت نقشی آراسته شد، هنر را تجربه کرد و هر بار که شکل و نقش نو آفرید، آن را جاودانه ساخت. صنایع دستی به مثابه آمیزه‌ای از ذوق، خلاقیت، ابتکار و نوآوری در وجه فرهنگی و اجتماعی آن، نمادی زیبا از هویت ملی و میهنی مردمان هر خطه و سرزمین است. در واقع باید گفت که صنایع دستی در طول تاریخ، تجسم عینی سه عنصر زیبایی، مهارت و اعتقاد بوده و علی‌رغم فراز و نشیب‌های بسیار توانسته است بی‌هیچ تغییری در ماهیت، انسان را به حرکت درآورد. هنرمندان خلاق صنایع دستی و آثار و دستاوردهای حاصل از هنر آنها به مدد ظرفیت، استعداد و انعطاف‌پذیری ذاتی همواره مصداق بارز این سه عنصر یعنی زیبایی (هنر)، مهارت (صنعت) و اندیشه (اعتقاد) بوده‌اند (حسن‌بیگی، ۱۳۶۵: ۱۰). با این وصف می‌توان با اطمینان گفت که صنایع دستی و آثار به جا مانده از آن، تجسم و جلوه عینی ماهیت وجودی انسان و در واقع تولد دوباره انسان است که در قالب کارآفرینی‌های هنری نمود و بروز پیدا کرده است.

منطقه مکریان از جمله مناطقی است که صنایع دستی و میراث برجای مانده پیشینیانش گواه عظمت و شکوه آن در گذر پرفراز و نشیب تاریخ است. امروزه هنوز

## جورابافی مکریان؛ مطالعه موردی گوره‌وی میرزایی ❖ ۱۱۹

هم آفرینش دست‌سازها حرفه‌ای مقدس و جلوه‌گر شاهکار ذوق بشری در این ناحیه است. صنایع دستی آمیزه‌ای از هنر و صنعت و حاصل تلاش روستانشین مکریانی است که با گذشت روزگاران همچنان جذاب‌ترین و در عین حال سخت‌ترین مشغله ساکنان این دیار است.

اصطلاح صنایع دستی از نظر لغوی مفهوم واحد و ثابتی ندارد. به عبارت دیگر، صنایع دستی در بیان عادی و در اصطلاح فنی مفاهیم متعددی دارد؛ به این معنی که گاهی اوقات حاکی از نحوه ساخت کالا است؛ مثلاً «دست‌ساز» و گاهی بازگوکننده ویژگی یک محصول است؛ مثل «محصول دستی هنری». در دایرةالمعارف بریتانیکا آمده: «صنایع دستی به آن گروه از صنایعی گفته می‌شود که مهارت، ذوق و بینش انسان در آن نقش اساسی دارد.» (همان: ۲۰)

از دیدگاه استاد علی‌اکبر دهخدا صنایع دستی عبارت است از: آنچه با دست ساخته می‌شود، از قالی و پارچه و ساخته‌های فلزی و غیره (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۳۲۸۴) و عقیده دکتر معین این است که: «صنایع دستی شامل صنعت‌هایی است که دست در آنها دخیل می‌باشد مانند پارچه‌بافی و قالی‌بافی.» (معین، ۱۳۴۳: ۲۱۶۴)

حیب‌الله آیت‌اللهی صنایع دستی ایران را به عنوان صنعتی مستقل و بومی، شاخص‌ترین هنر کاربردی ایران و ایران را یکی از سه قطب برتر صنایع دستی جهان می‌داند که صنایع دستی آن در فرهنگ غنی و بارور ایران اسلامی ریشه دارد. صنعتگران ایرانی، پاسداران راستین مردمی‌ترین هنر شناخته شده تمام قرون و اعصار و خالق آثار برجسته و شاهکارهایی از انواع صنایع دستی هستند. (آیت‌اللهی و همکاران، ۱۳۷۸: ۲۲۰)

حسن‌بیگی نیز ضمن برشمردن صنایع دستی ایران از سفال‌گری، شیشه‌گری، سنگتراشی، فلزکاری و ملبله‌کاری گرفته تا صنایع قالی‌بافی، قلاب‌دوزی و پایپه‌ماشی به این نتیجه رسیده است که:

صنایع دستی اهمیت و نقش خاصی از نظر اقتصادی، فرهنگی و هنری دارد که شامل این موارد است:

۱. صنایع دستی و سرمایه‌گذاری
۲. صنایع دستی و فناوری

## ۱۲۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۳. صنایع دستی و درآمد ملی

۴. صنایع دستی و توسعه صادرات

۵. تأمین تعادل اجتماعی

۶. توسعه مبادلات فرهنگی

۷. آثار جنبی صنایع دستی

وی معتقد است که معمولاً هر یک از فعالیت‌های اقتصادی علاوه بر آثار و نتایج مستقیم سلسله آثار تبعی و جانبی نیز دارد، بعضی از آثار به علت اختلاطی که با سایر فعالیت‌ها و بخش‌های اقتصادی پیدا می‌کنند معمولاً مرئی نیستند؛ به طور مثال: اگر قالی‌بافی را در نظر بگیریم گسترش آن، نه تنها باعث ایجاد اشتغال و درآمد برای بافندگان می‌شود؛ بلکه برای پشم‌شویان، ریسندگان، رنگ‌رزان، چله‌کش‌ها، پرداخت‌کنندگان قالی و ... ایجاد کار و درآمد می‌کند. علاوه بر این افزایش مصرف پشم ناشی از قالی‌بافی اثر محسوس و مستقیمی بر دامپروری می‌گذارد و توسعه دامپروری، افزایش گوشت، لبنیات، پوست و ... را به دنبال خواهد داشت. (حسن‌بیگی، ۱۳۶۵: ۳۷-۴۴)

شاید به جرأت بتوان گفت بشر قبل از آنکه به فکر ساختن خانه یا سرپناه بیفتد به بافتن پرداخته است زیرا برای تأمین غذا مجبور بوده حیوانات را شکار و پس از استفاده از گوشت‌شان، از پوست آنها به عنوان پوشش، زیرانداز یا روانداز در برابر تغییرات جوی استفاده کند.

از وسایل ریسندگی که متعلق به ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد در غار کمربندی به دست آمده می‌توان پی برد که ایرانیان در آن زمان به فن ریسندگی و تبدیل پشم به نخ آگاهی کامل داشته‌اند، متأسفانه چون الیاف مورد استفاده در نساجی (پشم، پنبه، ابریشم، کتان و ...) در اثر تغییرات جوی آسیب‌پذیر هستند، از نمونه‌های بافته‌شده از آن دوران اثری در دست نیست (بی‌نام، ۱۳۸۱: ۲۰). هنوز هم در گوشه و کنار کشور، هنرمندان فراوانی را می‌توان یافت که دستبافی را وظیفه‌ای بر دوش وجدان بیدار و آگاه خود حس می‌کنند و با کمک دستگاه‌های چوبی ابتدایی و ساده‌ای که در اختیار دارند مصنوعات به وجود می‌آورند که از نظر تنوع رنگ، نقش، طرح و شیوه‌های بافت شگفت‌انگیز است. این هنرمندان گمنام و بی‌ادعا که در یک کلام می‌توان آنان را حافظان صدیق میراث‌های

## جورابافی مکریان؛ مطالعه موردی گوره‌وی میرزایی ❖ ۱۲۱

کهن مردمی به حساب آورد، در واقع از هیچ، همه‌چیز می‌آفرینند و به مدد صبر و هنرشان محصولاتی تولید می‌کنند که به شهادت اهل فن و کارشناسان صنایع دستی، نمونه برجسته‌ای از صنعت دستی همه کشورهای جهان است. (بی‌نام، ۱۳۸۲: ۱۷)

صنعت بافندگی سنتی در بیشتر مناطق کردنشین جنوب استان آذربایجان غربی رواج دارد و از دیرباز جاجیم، به‌رمال<sup>۱</sup>، پوپه‌شمین<sup>۲</sup>، گوره‌وی‌مه‌ره‌ز<sup>۳</sup>، سه‌رکلاوه<sup>۴</sup>، دولاغ یا زه‌نگال<sup>۵</sup> و دستکش بافته می‌شد که متأسفانه به دلیل تغییر ساختار معماری منازل در این مناطق، بقایای آن در خطر زوال و فراموشی است. در پاره‌ای از نقاط شهری، نساجی سنتی به صورت کارگاهی و به دست بافندگان مرد انجام می‌شود که محصولات تولیدی در مقایسه با دستباف‌های خانگی روستایی از کمیت و کیفیت زیادی برخوردار است و خریداران و مصرف‌کنندگان خاص خود را دارد که علاقه‌مند به صنایع دستی هستند.

در این مقاله بنا داریم تا به یکی از صنایع دستی یعنی جوراب‌بافی در میان مکریان بپردازیم. در مورد مکریان باید گفت با توجه به نوشته شرفنامه، امیرسیف‌الدین نخستین امیر مکریان بوده است. وی فردی باهوش، مدبر و دلیر بوده که نسبتش به بابانیان می‌رسد.<sup>۶</sup> مکریان از شمال به دریاچه ارومیه و جلگه‌های ناحیه سلدوز، از شرق به جلگه‌های میاندوآب و تکاب، از جنوب به سرحدات عراق و از مغرب به مرزهای ایران و عراق محدود است. مکریان شامل: محال شارویران، محال آختاچی (بهی)، ناحیه ایل تیمور و ناحیه ترجان است. (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۳۷۳-۳۷۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. bermâl: سجاده، جا نمازی.

۲. popešmin: نوعی پارچه بافته شده که روی رختخواب می‌اندازند و در تابستان‌ها به دلیل خنکی روی خود می‌اندازند. البته اگر از پشم خوب و نرم بافته شده باشد، نوارهای رنگارنگی در چهار گوشه و وسط آن وجود دارد که به نوعی بافت را زیباتر نشان می‌دهد.

۳. gorevi merez: جورابی که از پشم نوعی گوسفند خاص بافته می‌شود.

۴. serkilave: نوعی کلاه مردانه که از پشم سر به سمت پایین است؛ همانند کلاه مادها، در پشت سر و دو سمت گوش به سمت پایین امتداد دارد و در فصول سرد استفاده می‌شود.

۵. dolâq zangâl: ساق‌بند (برای پا) این ساق را در فصول سرد روی جوراب می‌پوشند.

۶. برای مطالعه بیشتر نک: ثواقب، جهانیشخ؛ مظفری، پرستو (۱۳۹۸). «تکاپوهای سیاسی نظامی خاندان بابیان در کردستان ایران و پیامدهای آن». پژوهش‌های تاریخی. دوره ۱۱، ش ۱ (شماره پیاپی ۴۱)، صص ۹۱-۶۵.

گوره‌وی میرزایی<sup>۱</sup> یا جوراب میرزایی

بافته جسمی است که می‌توان آن را ابزار مجادله انسان با طبیعت دانست یعنی سلاح زندگی است. اما چه ضرورتی بود که بر این وسیله نقش و رنگی بیاید و نیز چه اصراری که در کشاکش حیات با نیستی، در نبرد حفظ ثانیه‌ها، راز غریب زیبایی بگنجد (رحیمی، ۱۳۷۶: ۲۱). ویل دورانت می‌گوید: «ظن غالب آن است که لباس در ابتدا برای زینت ایجاد شده و بیشتر برای آن بوده است» (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۰۳). از مهم‌ترین شاخصه‌های هنرمندان صنایع دستی ایران، استفاده از مواد اولیه طبیعی و خاص منطقه و در دسترس بوده که این موضوع در مورد مردم هنرمند منطقه مکریان نیز صادق است. آنها معمولاً برای بافت از پشم بهاری گوسفندان که لطیف‌ترین و درخشان‌ترین پشم است، استفاده می‌کنند. بدین ترتیب که پس از چیدن پشم و شستن، آن را با دست می‌ریسند و سپس با مواد گیاهی و معدنی رنگ‌آمیزی می‌کنند و به کار جولایی یا نساجی سنتی و بافندگی می‌پردازند. مهم‌ترین مواد اولیه در کار نساجی سنتی و بافندگی در منطقه مکریان به<sup>۲</sup> است.

جوراب یکی از پوشاک‌های ضروری برای زندگی انسان بوده و هست و تا زمانی که انسان بر روی زمین زندگی می‌کند به این پوشش نیاز دارد؛ اما به تبع تغییر و تحولات زندگی انسان جوراب نیز تغییراتی کرده و به شیوه‌های مختلفی تهیه می‌شود. در فصل زمستان که هوا سرد است معمولاً صنایع قلاب‌بافی منطقه مشتریان زیادی دارد چون هم، جنسشان بادوام است و هم، پوشش گرم و مناسبی برای این فصل به شمار می‌روند. این نوع پوشش‌ها نسبت به صنایع کارخانه‌ها هم استحکام و دوام بیشتری دارند و هم اینکه گرم‌تر هستند.

زنان هنرمند جوراب‌باف رابطه‌ای ماندگار بین فرهنگ و هنر دیروز و امروز برقرار می‌کنند. علی‌رغم پیشرفت صنعت نساجی و بافت ماشینی هر نوع پوشاک و انواع

---

1. gorevi mirzâyi

۲. ben نخ‌ی است که پس از طی مراحل برای کارهای نساجی و بافندگی به کار می‌رود و از پشم گوسفند به دست می‌آید.

## جوراب بافی مکریان؛ مطالعه موردی گوره‌وی میرزایی ❖ ۱۲۳

مختلف جوراب هنوز هم جوراب‌های محلی به خصوص جوراب‌های میرزایی پوشش مناسبی برای مردان است. جوراب میرزایی یا گوره‌وی مهران در رنگ‌ها و طرح‌های مختلف بافته می‌شود و یکی از کارهای هنری زنان و دختران در اوقات فراغت است.

### مواد اولیه و ابزار کار

۱. پنج عدد میل بافتنی که در اصطلاح محلی به این میل‌ها شیشه می‌گویند.
۲. بهن (نخ پشم) بسته به سلیقه سیاه و سفید، قهوه‌ای و سفید، خاکستری و سفید، شینکی یا طوسی سیر و سفید (با هم) ولی معمولاً رنگ اصلی خود پشم است.

### طرز بافت

نخ مورد نیاز در بافت بسته به سلیقه به صورت یک یا دو لا استفاده می‌شود. بافت جوراب با دو میل شروع می‌شود، بعد از اندکی بافت و بهره‌دان (یعنی اضافه کردن دانه‌های بافت) تعداد دانه‌ها را بین پنج میل تقسیم می‌کنند. از پنج میل روی سه عدد از میل‌ها پنج جفت نخ (ده دانه بافت) به شکل حلقه سوار می‌کنند بعد یکی از میل‌ها را درآورده و با آن شروع به بافتن می‌کنند. بعد از بافتن این جفت به هر دانه بافت یک دانه اضافه می‌شود که به اصطلاح محلی به این کار بهره‌دان<sup>۱</sup> می‌گویند. این دانه اضافی به میل چهارم اضافه می‌شود. بعد از اضافه شدن دانه‌ها پنج میل به کار می‌افتد که چهار میل حالت ثابت دارد و میل پنجم گردان است و کار اصلی را انجام می‌دهد. به این پنج جفت اولی چهار دانه دیگر اضافه می‌شود. در هر ردیف بافت یک دانه بافت به نخ سفید که زمینه اصلی کار است اضافه کرده و نخ سیاه حالت ثابت دارد و اضافه نمی‌شود و حالت حاشیه برای جوراب دارد. نخ سفید اول را یک دانه بافته بعد اضافه می‌کنند (اضافه کردن یعنی یک دانه بافت را دو دانه می‌کنند و می‌بافند). بدین ترتیب با هر دست نخ بافته شده روی یک شیشه، یک نخ اضافی بافته شده به کار و

۱. beredân: زیاد کردن دانه‌های بافت

روی چهار میل چهار دانه بافت اضافه می‌شود یعنی با یک چرخش بافت روی شیشه‌ها یک دانه اضافه می‌شود و جوراب بدین شکل دهنه خود را باز کرده و به اندازه پا درمی‌آید تا به پاشنه می‌رسیم، در این مرحله نیز باز کار با دو میل ادامه پیدا کرده و به اندازه پا پاشنه را می‌بافند تا تعداد دانه‌ها به دو عدد می‌رسد. این دو عدد را نیز با عمل (داکوژاندن<sup>۱</sup>) به یک دانه تبدیل کرده و این یک دانه را نیز با سوزن به بافت اصلی می‌دوزیم تا بافت محکم شده و باز نشود. تا این قسمت بافت جوراب به صورت ساده است، از پاشنه کار را با دو میل ادامه داده و گل‌های ریزی را می‌بافند که به این گل‌ها، گل میرزایی می‌گویند و اسم جوراب نیز برگرفته از نام این گل‌هاست. کمی که جوراب بافته شد وقتی به ساق رسیدیم به صورت کش‌باف می‌بافند و در اصطلاح محلی به این نوع بافت (ساکاری و شکاکی<sup>۲</sup>) گفته می‌شود. یعنی دو دانه بافت به سمت جلو و دو دانه بافت به سمت عقب. لبه جوراب را هم به صورت ۸ و ۷ می‌بافند. در بافت پاشنه‌ها از دایره اصلی یعنی جایی که دهنه جوراب به قوزک پا رسیده است دانه‌دانه کسر می‌کنیم به این عمل درکردی داکوژاندن<sup>۱</sup> می‌گویند؛ به انتهای پاشنه که می‌رسیم، سردوز می‌کنیم و قبل از شروع پاشنه، نخ‌ها را از وسط دانه بافت‌های روی میل‌ها رد کرده و گره می‌زنیم که دهانه جوراب بسته نشود، بعد نخ را خارج کرده و میل‌ها را دوباره برگردانده و نخ‌ها را باز روی دو میل سوار کرده کار بافت را تا تکمیل شدن ساقه ادامه می‌دهیم و در آخر که ساقه تکمیل شد آن را به صورت دو دانه بافت یک دانه یعنی دو دانه بافت را به یک دانه تبدیل کرده تا آخر ادامه می‌دهیم. در آخر نخ را قطع کرده و گره می‌زنیم. اگر نقشی که در این نوع جوراب به کار می‌رود نقش میرزایی باشد به آن جوراب میرزایی می‌گویند.

۱. dâkužândân: کم کردن دانه‌های بافت.

۲. sâkâri u šikâri: ساکاری به معنی ساده و شکاکی نام ایل بزرگی از کردهای کرمانج در ارومیه است.





تصویر ۱. جوراب میرزایی

البته نقش‌های دیگری نیز در بافت این نوع جوراب‌ها به کار می‌رود. جوراب‌های میرزایی علاوه بر رنگ‌های مختلف با نقش و نگارهای متنوع نیز بافته می‌شوند. نقش‌هایی از قبیل باغ و بوستان، چنار و دارستان، کوه، دریا، گاو و ماهی که هر یک نمادی اسطوره‌ای از زندگی انسان دیروز هستند که هنرمند جوراب‌باف آنها را به امروز ربط می‌دهد. در واقع، این شیوه از نقش و نگارها یادگار دوران اسطوره‌ای و ابتدایی کشاورزی و دامداری گسترده نیاکان ما بوده و هر یک به گونه‌ای با ما حرف می‌زنند. باغ و بوستان، چنار و دارستان و کوه جای زیستن هستند، رودها و دریاها و گاو و ماهی وسیله زندگی انسان دیروز و امروز بوده و در اصطلاح محلی می‌گویند «دنیا له سه ر پشتی گاو ماسی‌یه» (دنیا روی پشت گاو و ماهی بنا شده است) و منظور وابستگی انسان به دام و طیور و آبزیان برای بقای زندگی است. نقش گاو و ماهی<sup>۱</sup> نقش و نگار اولیه جوراب میرزایی منطقه مکریان است که دست و پنجه رنگین زنان و دختران هنرمند جوراب‌باف آن را حفظ و با هنر دوران مدرن ترکیب کرده است. (مصاحبه، ۱۳۸۳)<sup>۲</sup>

۱. این تصویر یادآور یکی از باورهای قدما و اسطوره‌های دیرین است که دنیا بر شاخ گاو و گاو بر پشت ماهی سوار است. (ویراستار).

۲. داده‌ها از مجموع مصاحبه‌های انجام شده احصاء شده است.

## طرح و رنگ

رنگ پدیده‌ای است که به کمک ساختمان پیچیده بینایی درک می‌شود. ابتدای آشنایی بشر با این نعمت از طریق طبیعت است. حداقل از آغاز دوران غارنشینی، خوی ایجادگری آدمی، مغز و دستش را برای یافتن منابع رنگ از طبیعت و ساختن تصویر با آنها به کار گرفت. رنگ‌های متنوع بافته‌های کردی از وقار و تنوع و هماهنگی رنگ طبیعت مایه گرفته است. در هر بافته غلبه یک رنگ بر سایر رنگ‌ها مقدر شده و همچون طبیعت که منبع نور این پدیده را حاصل می‌آورد نشانه‌های یک قانونمندی پذیرفته شده در سیمای تمامی رنگ‌ها دیدنی است. وجوه مشترک نقوش بافته‌ها صحبت از تأثیر شرایط یکسان جغرافیایی، فیزیولوژیک، طبیعی و اجتماعی دارد و نمی‌تواند اتفاقی باشد (رحیمی، ۱۳۷۶: ۳۱). بافته جوراب در عرصه انتخاب رنگ و نقش، بنا بر ذوق و سلیقه فردی، آزادی کاملی دارد و این طرح‌ها را گاه به صورت اشکال هندسی و گاه به صورت نمایی از گل و گیاه، حیوانات و پرندگان محل زندگی خود انتخاب می‌کند. طرح‌ها و نقش‌ها نیز با توجه به دقت و حوصله بافته جوراب متفاوت است، گاه جوراب را ساده می‌بافند و گاهی نقوشی را در آن به کار می‌برند. نقشه هیچ کدام از بافته‌ها الگویی قبلی ندارد و فی‌البداهه حاصل شده است. نقوش همچون مسیر صعب‌العبور کوهستان، پر پیچ و خم و خشن هستند و روحیات مردمی را که از آنها عبور کرده و نقش جانشان شده به شکلی آزاد بیان می‌کنند. بدیهه‌بافی همچون بدیهه‌سرایی در آوازهای عامیانه کردی نیز از سرچشمه ناخودآگاه مردم آن سامان ریشه می‌گیرد (همان: ۶۷).

استادی در جوراب بافی کردی به جایی رسیده است که گاه هنرمند جوراب‌باف چندین رنگ متفاوت را به کار می‌برد و قاعدتاً بایستی چندین سرنخ از پشت جوراب دیده شود؛ اما بافت این جوراب در اثر مهارت زنان هنرمند مکرپانی به صورتی است که هیچ سرنخی، حتی بعد از استفاده در سال‌های متمادی نمایان نمی‌شود و هیچ تفاوتی از نظر پشت و روی جوراب برای مصرف‌کننده قابل تشخیص نیست. رنگ‌ها در جوراب چنان زنده، پر جلا و تند است که رنگ‌های شاد طبیعت و کوهستان‌های

### جوراب‌بافی مکربان؛ مطالعه موردی گوره‌وی میرزایی ❖ ۱۲۷

منطقه را در ذهن تداعی می‌کند. دقت در رنگ‌آمیزی نخ (به‌خصوص با استفاده سنتی از گیاهان رنگی) عامل بسیار مهمی در بالا بردن کیفیت تولیدات است؛ زیرا استفاده از گیاهان طبیعی مانند پوست گردو، پوست انار، روناس، برگ مو، قره‌قروت و ... اگر همراه با دقت کافی باشد، مزایای بسیاری نسبت به رنگ‌های شیمیایی دارد. رنگ‌های گیاهی جلا و ثبات بیشتری دارد و عمر الیاف پشمی را نیز کم نمی‌کند. برای پی‌بردن به چگونگی کیفیت رنگ‌ها، کافی است که پارچه سفیدی را قدری نمناک کنید و به شدت بر روی قسمت‌های رنگی مالش دهید، اگر نخ‌ها به صورت اصولی رنگ شده باشند، هیچ اثری از رنگ بر روی پارچه باقی نمی‌ماند. (همان: ۲۷-۳۵)



تصویر ۲. طرح در جوراب میرزایی

### کاربرد

زنان چادرنشین عشایر، در گذشته‌ای نه‌چندان دور، نمونه‌هایی از آثار اصیل خود را در صندوقچه‌هایی قدیمی از جنس چوب که به فولاد (یا صندوقی پولاد<sup>۱</sup>) شهرت دارد نگه می‌داشتند که نشانه‌ای از سلیقه و کدبانوگری زنان و دختران هر خانواده یا عشیره

۱. در گذشته که دختران عروسی می‌کردند، به خصوص در خانواده‌های متمول این صندوق را به عنوان جهیزیه همراه دختران می‌فرستادند و داخل صندوق چند تکه صنایع دستی و لباس محلی می‌گذاشتند.

## ۱۲۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

برای تازه‌واردان بود و مهمانی که خیلی عزیز و محترم بود این تحفه را از جانب بانوی منزل دریافت می‌کرد.

مردان منطقه مکریان در زمستان به دلیل کوهستانی بودن منطقه و برودت هوا این جوراب‌ها را می‌پوشند و روی آن دولاغ<sup>۱</sup> یا زه نگال<sup>۲</sup> به پا می‌کنند که آن هم پوششی مناسب است که مانع ورود سرما به پا می‌شود و در رفت و آمد به خانه‌باغ‌ها و کوچ‌های همه‌ساله به بیلاق و قشلاق مفید است. ناگفته نماند که این پوشش در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری به چشم می‌خورد. در زمستان‌ها برای محافظت از سرما از این جوراب‌ها استفاده می‌شود. بافتن این نوع جوراب‌ها به دست زنان علاوه بر اینکه پوششی برای همسران و پسران در فصل زمستان است، از لحاظ مادی نیز به اقتصاد خانواده کمک می‌کند (مصاحبه، ۱۳۸۳).

## بازی جورابین

بازی جورابین از دیرباز جزو رایج‌ترین بازی‌های بومی - محلی و سرگرمی مناسب جوانان و نوجوانان کرد بوده که در شب‌های سرد مهمان بیشتر خانه‌هاست. در این بازی، معمولاً افراد به دو گروه ۴ تا ۸ نفری تقسیم می‌شوند، محدودیت سنی برای شرکت‌کنندگان وجود ندارد و برای اجرای این بازی از جوراب‌های محلی که زنان با نقش و نگارهای متفاوت بافته‌اند، استفاده می‌شود. این بازی هنوز هم از سرگرمی‌های مورد علاقه جوانان و سالخورده‌گان شهر و روستا در این منطقه است. جوراب‌بازی به صورت دسته‌جمعی و بیشتر به هنگام شب‌نشینی‌ها بویژه شب‌های طولانی زمستان، در مراسم مختلف و ماه رمضان گرمی‌بخش مجالس است و اغلب تا بامداد ادامه می‌یابد و گاه اتفاق افتاده که جوراب‌بازانی از شهر و روستا برای مبارزه دور هم جمع می‌شوند. برای این بازی ده عدد جوراب مخصوص (که همان جوراب میرزایی است) و یک پوکه خالی مثل تپله یا مازوج لازم است. ابتدا گروه به دو دسته مساوی تقسیم می‌شوند

---

1. dolâq

2. zengâl

## جوراب‌بافی مکریان: مطالعه موردی گروه‌وی میرزایی ❖ ۱۲۹

و از دو جوراب برای شروع بازی استفاده می‌کنند که در یکی از آنها تیله پنهان است و هر تیمی تیله یا مازوج را پیدا کند شروع‌کننده بازی خواهد بود. به هر حال فرد آغازکننده دهانه جوراب‌ها را به طرف خود قرار می‌دهد و مازوج یا حبه قند یا هر شیء دیگری را که از قبل انتخاب شده در میان انگشتان خود می‌گذارد و با مهارت کامل انگشتان خود را تا کف دست به میان جوراب‌ها فرو می‌برد و با حیل‌های مختلف سعی در انحراف فکری گروه مقابل دارد تا شیء مورد نظر را در داخل یکی از ده جوراب قرار دهد و افراد دسته دوم نیز با دقت کامل به حرکات دست و انگشتان رقیب نگاه می‌کنند تا محل اختفای مازوج را تشخیص دهند. افراد دسته‌ای که باید محل اختفای مازوج را بیابند به سردسته می‌گویند که فلان جوراب شک دارم و سردسته نیز با توجه به شک خود و افرادش در صورت داشتن یقین دست روی یکی از جوراب‌ها قرار داده و می‌گوید «گل». اگر در این مرحله موفق به یافتن مازوج شود ده امتیاز کسب می‌کند و خود شروع به بازی می‌کند که در اصطلاح «گشتنی» گویند. ولی در صورتی که موفق به یافتن نشود یک یا چند دست روی جوراب‌ها می‌گذارد و آنها را از بازی خارج می‌کند. اگر مازوج در یکی از جوراب‌هایی که سردسته به آن دست زده قرار داشته باشد به تعداد جوراب‌هایی که مازوج نداشته‌اند امتیاز از دست می‌دهد؛ اما چنانچه مازوج در آخرین جوراب باقیمانده باشد گروه رقیب (گروهی که مازوج را در جوراب پنهان کرده) یازده امتیاز کسب می‌کند. بعضی اوقات با مشورت با سایر اعضای تیم در نهایت یک جوراب را که فکر می‌کنند تیله داخل آن است به عنوان «گل» انتخاب می‌کنند که دارای ۱۰ امتیاز برای تیم است و اگر پیدا نشد سعی می‌کنند در انتخاب دوم که آن نیز ۱۱ امتیاز محسوب می‌شود تیله را پیدا کنند؛ اما اگر تلاش و انتخاب آنها درست نباشد ۲ تا ۱۰ امتیاز به تیم مقابل داده خواهد شد. در گذشته کل امتیاز ۲۰۰ بود ولی امروزه این امتیاز به ۱۵۰ کاهش یافته است و در نهایت هر تیمی که زودتر امتیازش به ۱۵۰ برسد، برنده مسابقه است. این بازی از گذشته بسیار دور متداول بوده و دارای سابقه دیرینه است و اکنون نیز با همان شیوه گذشته در میان جوانان و افراد میان‌سال رایج است و در عین حال طرفداران زیادی دارد. بعد از چند ساعت سرگرمی شبانه، دسته‌ای که پیروز شد، با هم این ترانه را می‌خوانند:

۱۳۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

leyli hây leyli leyli bavânem

له یلی های له یلی له یلی باوانم

لیلی، لیلی لیلی عزیزم

erây duryeket korbe çâvânem

ئه رای دووریه که ت کوربی چاوانم

از دوریت چشمانم کور شده است

imšew zor xşe vere bervâne

ئیمشه زور خوشه وه ره بروانه

امشب شب خوبی است، بیا و بنگر

xošk u birâkem lere mivâne

خوشک و براکه م لیره میوانه

خواهر و برادرم مهمانم شده‌اند

mivân xoş hâti sefâ âverdi

میوان خوش هاتی، سه فا ئوردی

مهمان خوش آمدی، صفا آوردی

xem u pejârem le dil lâverdi

خه موپه ژاره م له دیل لاوردی

غم و اندوه را از دلم زدودید (سلیمی، ۱۳۸۱: ۱۶۶-۱۶۵)



تصویر ۳. جوراب‌بازی

## جمع‌بندی

صنایع دستی با فرهنگ ملی و اسلامی و آداب و رسوم ما عجین شده و خود به تنهایی می‌تواند یکی از نمادهای هویتی باشد. در واقع، رمز موفقیت صنایع دستی در دنیای به ظاهر پیشرفته و ماشینی امروز، دمیدن روح لطافت و زیبایی در کالبد خشن و انعطاف‌ناپذیر صنایع مدرن است؛ چرا که صنایع دستی برگرفته از ذهن خلاق، اندیشه سیال، لطافت خیال و دستان هنرمند صنعتگرانی از همه اقشار جامعه و بدون بهره‌مندی از فناوری‌های نوین است. از این رو می‌توان گفت که علی‌رغم تغییر و تحولات پرشتاب امروز باید با اطمینان بگوییم تا وقتی که نیازهای عاطفی، روان‌شناختی و آرام‌بخشی انسانی مورد توجه است، صنایع دستی نیز زنده است. توجه به صنایع دستی علاوه بر شناخت و پرورش استعدادها، زمینه را برای رشد و شکوفایی ذوق هنری، ایجاد مهارت و اعتماد به نفس در نسل نو فراهم می‌سازد و سبب آشنایی تدریجی و عملی با میراث گرانسنگ و با ارزش ایرانی اسلامی و نیز زمینه‌ساز رسیدن به نوآوری، ابداع و خودکفایی خواهد شد. آنچه در رشته‌های هنری و از جمله صنایع دستی طرح شده است شناخت ابزارهای گفتمان انسان‌ها به عنوان یکی از نیازهای اجتماعی است. زبان صنایع دستی زبان آرامش است، نقش‌ها و طرح‌های صنایع دستی، همه خطوط آرامش‌بخش و دلنشین دارند و انسان صنعتی امروز بیشتر به استفاده از آن نیاز دارد تا بهتر بیندیشد.

امروزه در شرایط هژمونی جهانی‌سازی و جهان‌گرایی، بسیاری از جوامع برای مصون ماندن از آفت‌ها و عوارض ناشی از آن از جمله بی‌هویتی و اختلال فرهنگی؛ دنبال راهکارهای مناسبی چون پناه بردن به جلوه‌های فرهنگی و اصالت گذشته خود برای مقابله با این پدیده مدرن می‌گردند. یکی از مهمترین سندهایی که می‌تواند اصالت و نام کشور و تمدن ما را در قلب فرایند جهانی‌سازی برجسته کند صنایع دستی است. تولید صنایع دستی علاوه بر نمود یک کالای عینی و اقتصادی، نشان‌دهنده فرهنگ، آداب، رسوم و تمدن یک منطقه و بستر رویش آن است و با مشاهده آثار خلق‌شده صنایع دستی به سادگی می‌توان روح یک تمدن و زندگی اقوام مختلف را در آن مشاهده کرد. صنایع دستی محصول اندیشه، تخیل، هنر و دست‌عده‌ای هنرمند و صنعتگر است و با تولید مدرن امروز که محصول فناوری است، فرق دارد؛ به همین دلیل از اصالت و استحکام فرهنگی فراوانی برخوردار است.

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله و همکاران (۱۳۷۸). سیمای فرهنگی ایران، تهران: عیلام.
- بدلیسی، امیرشرفخان (۱۳۴۳). شرفنامه (تاریخ مفصل کردستان). تهران: انتشارات مطبوعات علمی.
- بی‌نام (۱۳۸۱). بولتن. ماهنامه خبری، آموزشی صنایع دستی ایران، ش ۱۶.
- بی‌نام (۱۳۸۲). بولتن. ماهنامه خبری، آموزشی صنایع دستی ایران. ش ۱۳.
- ثواقب، جهانبخش و مظفری، پرستو (۱۳۹۸). «تکاپوهای سیاسی نظامی خاندان بابان در کردستان ایران و پیامدهای آن». پژوهش‌های تاریخی. دوره ۱۱، ش ۱ (شماره پیاپی ۴۱)، صص ۶۵-۹۱.
- حسن‌بیگی، م. (۱۳۶۵). مروری بر صنایع دستی ایران. تهران: چاپخانه صنوبر.
- دورانت، ویل (۱۳۷۰). مشرق‌زمین گاهواره تمدن، تهران: انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- رحیمی، مسعود (۱۳۷۶). بافنده کرد نقاش ذهن خویش، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سلیمی، هاشم (۱۳۸۱). زمستان در فرهنگ مردم کرد، تهران: سروش.
- معین، محمد (۱۳۴۳). فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر.

مصاحبه

- ثریا مظفر (بافنده)
- جمیله ابوبکری (روایتگر)
- حلیمه عزیزی (بافنده)
- فاطمه آگوشی (بافنده)
- مهپاره صدیقی (بافنده)